



انسان حسود نه حقیقت را می‌یابد نه واقعیت را درک می‌کند

یکی از آثار بسیار شوم رذیله حسد این است که بینش صحیح را از انسان می‌گیرد و گاهی تعبیر می‌کنند به اینکه حسد عقل را زایل می‌کند. نه می‌تواند حقیقت را بیابد و نه می‌تواند واقعیتها را ادراک کند.

یکی از آثار بسیار شوم رذیله حسد این است که بینش صحیح را از انسان می‌گیرد و گاهی تعبیر می‌کنند به اینکه حسد عقل را زایل می‌کند. نه می‌تواند حقیقت را بیابد و نه می‌تواند واقعیتها را ادراک کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن ذیل سومین جلسه از بحث حسد از سلسله مباحث اخلاق مرحوم آیت الله العظمی آقامجتبی تهرانی است که فایل صوتی آن در سایت دفتر حفظ و نشر آثار ایشان موجود است.

قال امام المجتبی علیه السلام: «هلاک الناس فی ثلاث: الکبر، الحرص، الحسد. الکبر به هلاک الدین و به لعن ابلیس. الحرص عدو النفس و به اخرج آدم من الجنة. الحسد رائد السوء و به قتل قابیل هابیل». امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر و حرص و حسد. تکبر که به سبب آن دین از بین می‌رود و به واسطه ی آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی ست و بواسطه ی آن آدم از بهشت خارج شد. حسد که سر رشته ی بدی ست و بواسطه ی آن هابیل، قابیل را کشت.

در دو هفته گذشته در رابطه با معنای حسد صحبت کردیم و گفتیم حالتی درونی است که در آن، انسان آرزوی زوال نعمت از کسی را دارد که متنعم به نعمتی ست و سه عبارت "غیرت"، "نصیحت" و "عبطه" را در کنار "حسد" تعریف کردیم و تفاوت های آنها را برشمردیم. برای رذیله ی حسد ۴ مرتبه ذکر کردیم و گفتیم که هر مرتبه خود ذودرجات است. سپس به بررسی آثار حسد پرداختیم و گفتیم آثار شوم حسد در ۵ بعد بروز و ظهور پیدا می‌کنند و هر یک را به تفصیل توضیح دادیم.

همچنین در باب درجات حسد گفتیم وقتی حسود برای داشتن نعمتی به محسود حسادت کند، ابتدا شروع به کنکاش در وجود او کرده، عیب هایش را بیرون می‌کشد، شروع به غیبت او می‌کند، عیبهای وی را بازگو می‌کند تا پوششی باشد نسبت به نعمت یا فضیلت او؛ و اگر خودش در این امر موفق نبود دیگران را وادار به بدگویی در مورد او می‌کند. اگر محسود رذیلتی نداشت که حسود بتواند آنرا پخش کند، شروع می‌کند به تهمت زدن به او و دیگران را نیز وادار به این کار می‌کند و همه ی اینها در مرحله ی زبان است. اگر اینها کارگر نبود وارد مرحله ی عمل می‌شود تا نعمت او را زایل کند. گاه نعمت طوری نیست که قابل سرقت یا تباهی مادی باشد، مثلاً فردی متنعم و شهره به نعمت تقواست و حسود سعی می‌کند او را آلوده به گناهی کند. اگر خودش نتوانست از غیر کمک می‌گیرد. نهایتاً اگر در مرحله ی عمل هم موفق نبود، می‌خواهد خود فرد متنعم به نعمت را از بین ببرد و اگر نتوانست، مبتلا به بالاترین درجه ی حسد بوده و خودش را از بین می‌برد.

در روایتی از امیر مومنان حضرت علی(علیه السلام) مضمونی وجود دارد به اینکه حسود ظالمی بسیار شبیه به مظلوم است! یعنی حسود دارد ظلم می‌کند، اما بیش از هر کس به خودش، چرا که ممکن است حسادت او منجر به مرگ خودش شود و این بزرگترین ظلم به خودشخص است که جان خود را بگیرد. حسود آسیب و ضرری را به خود می‌زند که از جنس ضرری است که دشمنش به او وارد می‌کند. اما دشمن او خیالش آسوده است و می‌داند که او خودش، به واسطه ی این رذیله، خودش را نابود خواهد کرد.

لذا یکی از آثار بسیار شوم رذیله حسد این است که این خصلت شیطانی بینش صحیح را از انسان می‌گیرد و گاهی تعبیر می‌کنند به اینکه حسد عقل را زایل می‌کند. نه می‌تواند حقیقت را بیابد و نه می‌تواند واقعیتها را ادراک کند. وقتی این مانع جلوی بینش صحیح و فکر و اندیشه ی فرد را می‌گیرد قدرت تدبیر امور نیز از وی گرفته می‌شود و به طریق اولی قدرت مدیریت و سرپرستی در هیچ کار و حوزه ای را ندارد. جمله ی معروفی از امیرالمومنین علیه السلام نیز موید همین واقعیت است که «الحسود لایسود».

به همین علت، حسود هرگز در جامعه شرافت پیدا نمی‌کند چرا که شرافت یا از عمل مبتنی بر عقل و فکر او پدید می‌آید (که حسود نمی‌تواند همیشه درون بیمار خود را محفی نگه دارد و بالاخره بروز خارجی پیدا می‌کند) و یا از نظر بینش صحیح (که وجود همین رذیله در درون او خود مانع بزرگی ست بر دوام سلامت عقلانی). پس در بعد دنیوی فرد حسود متضرر است. در بعد اخروی نیز به همین صورت. رذیله ی حسد انسان را در معاصی بسیار فرو می‌برد. از غیبت کردن که اولین نشانه ی بیرونی حسد است و کوچکترین اثر حسد تا تهمت و ...

در کلامی از حضرت امیر داریم که "حرص و کبر و حسد، انگیزه های فرو رفتن در گناهانند" و در جای دیگری می‌خوانیم «شخص حسود حسرتش بسیار و گناهانش افزون است» و این رذیله نه فقط مایه ی افزایش معاصی و گناهان دیگر است بلکه راه را بر انجام حسنات نیز می‌بندد، حسنات پیشین را نیز از بین می‌برد. «الحَسَدُ یَاكُلُ الْحَسَنَاتِ کَمَا تَأْكُلُ التَّارُ الْحَطَبُ». همچنین همانطور که در باب غیبت گفته می‌شود حسنات شخص گوینده به حساب شخص دیگر نوشته می‌شود، در حسد نیز چنین بحثی مطرح است. که نیکی ها و حسنات فرد حسود به پرونده ی اعمال محسود منتقل می‌شود.

پس شخص حسود فاقد شرافت دنیایی و اخروی ست، عقلش زایل می‌شود، قدرت تدبیرش گرفته می‌شود، توان مدیریت هیچ کاری را ندارد، دستش به گناهان بسیار آلوده شده و حسناتش چون هیزم خشک درون آتش می‌سوزد و یا به پرونده ی

محسود منتقل می شود. و اینها همه در ربط با خود فرد است. اما در ربط با جامعه نیز آثاری مترتب است... اگر در جامعه ای رذیله حسد وجود داشته باشد کل آن جامعه به انحطاط کشیده می شود. عواملی که باعث پیشرفت یک جامعه می شود به طور کلی تحت چند عنوان زیر مطرح می شود:

۱- خوش بینی افراد جامعه به یکدیگر: این خوش بینی موجب دوستی و صفا و صمیمیت می شود و همین موجب می شود که حس اعتماد بین افراد ایجاد شود و نهایتا حس همکاری.

۲- اجتماعی که دارای خصوصیات بالا باشد در صورت داشتن رهبری توانا سریع پیشرفت می کند. اما در نظر بگیرید که چنین نباشد؛ اگر افراد نسبت به هم خوش بین نباشند، محبت و دوستی وجود ندارد و هیچ اعتمادی فی ما بین نیست و نهایتا کسی هموطنش را یاری نمی کند. بدبینی و عدم اعتماد و کارشکنی کردن و ضربه زدن به کسی که بخواهد رهبری جامعه را بر عهده بگیرد، همه و همه بلای جان جامعه و منشا فساد است. نه اینکه پیشرفتی نداشته باشد. علی علیه السلام می فرمایند «آنگاه که حسد ورزیدن به یکدیگر ببارد، آنجاست که فساد می روید».

افراد می توانند به کمک نشانه هایی که برای حسد ذکر شده است محک بزنند که آیا خودشان یا جامعه شان مبتلا به حسد هست یا خیر و آن نشانه ها به شرح زیرند:

۱- تملق در جامعه: پیش رو تملق گفتن و پشت سر، زدن. علی علیه السلام می فرمایند «حسود اینگونه است که زبانی اظهار دوستی می کند اما دشمنی اش را در عمل پنهان می کند»

۲- کتمان حق کردن: علی علیه السلام می فرمایند «ستایش کردن بیش از حد از فرد تملق است. اما کم گذاشتن در بیان فضایل او حسد است».

۳ - انتقاد بسیار تند و بیش از حد: بعضا منفی باف ها نیز در این دسته قرار می گیرند.